

نقص در نگرش، دانش و مهارت، مانعی در برابر فعالیت سازمان‌های
غیردولتی معلولان

نادر غنی‌زاده^۱، محمد کمالی^۲، وحیده باباخانی^۳، مسعود فلاحي^۴، *علی چابک^۵، مهدی رهگذر^۶

Deficiencies in attitude, knowledge and skills as barriers against NGO
activities for the disabled

Ghanizade N.¹, Kamali M.², Babakhani V.³, Fallahi M.⁴, Chabok A.⁵, Rahgozar M.⁶

Abstract

Objectives: This study was carried out to understand the views and experiences of non-governmental organization (NGO) managers on barriers to NGO activities in Tehran.

Methods: The phenomenological study was conducted qualitatively. Ten NGO managers for the disabled in Tehran were selected through purposive sampling and in-depth interviews were conducted with them. Data collection and analysis were done with the Colaizzi method. The results of the study were classified according to the managers' statements.

Results: Nine subthemes were extracted from the main theme 'intra-organizational attitudes, knowledge and skills', which included: Poor teamwork skills, low level of average education, lack of adequate communications with academic centers, lack of adequate scientific information, belief in dependence on financial resources, belief in working only for supplying basic needs, conflicting claims of members, irritability and vulnerability.

Conclusion: Weakness in knowledge, attitudes and skills of NGO members in Tehran is a serious obstacle to their activities. Therefore improving cultural activities, education and awareness for the disabled, especially NGO members can enhance and facilitate their activities.

Keywords: NGO for Disabled, Operating Barriers, Handicapped

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف شناخت دیدگاه و تجربیات مدیران سازمان‌های غیردولتی معلولان درباره موانع فعالیت این سازمان‌ها در شهر تهران انجام گرفته است.

روش بررسی: در این مطالعه که به صورت کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت، با ده نفر از مدیران سازمان‌های غیردولتی معلولین در شهر تهران که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق انجام شد؛ و به طور هم زمان با جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها نیز به روش کلاسیکی انجام گرفت و نتایج حاصل از مطالعه، در حیطه موانع پیش‌روی فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولان، بنا بر اظهارات مدیران آن‌ها دسته بندی شدند.

یافته‌ها: از اظهارات شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ۹ زیرمضمون برای مضمون اصلی «نگرش، دانش و مهارت‌های درون سازمانی» ظهور یافت؛ که عبارت بودند از: ضعف در مهارت‌های کارگروهی، پایین بودن سطح متوسط دانش و تحصیلات، عدم ارتباط کافی با مراکز علمی و دانشگاهی، کمبود اطلاع‌رسانی مناسب و علمی، باور به وابستگی به منابع مالی، اعتقاد به فعالیت تنها برای تأمین نیازهای اولیه، تضاد در نوع مطالبات اعضا، زود رنجی و آسیب پذیری.

نتیجه‌گیری: ضعف در دانش، نگرش و مهارت‌های اعضای سازمان‌های غیردولتی معلولان در شهر تهران، مانعی جدی در برابر فعالیت آنان است؛ از این رو افزایش فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و آگاه‌سازی، برای معلولان به‌ویژه اعضای سازمان‌های غیردولتی آنان می‌تواند به بهبود و تسهیل فعالیت آنان منجر شود.

کلیدواژه‌ها: سازمان غیردولتی معلولین، موانع فعالیت، معلولان

۱- کارشناس ارشد مدیریت توانبخشی، گروه مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران؛ ۲- دکترای آموزش بهداشت، دانشیار، مرکز تحقیقات توانبخشی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران؛ ۳- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد ابهر، ابهر، ایران؛ ۴- دکترای پرستاری، دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران؛ ۵- MPH مدیریت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران؛ ۶- دکترای آمار زیستی، دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. *آدرس نویسنده مسئول: تهران، اوین، بلوار دانشجو، خیابان کودکان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه مدیریت رفاه اجتماعی؛ *تلفن: ۲۲۱۸۰۰۸۳

1- MSc of Rehabilitation Management, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran; 2- PhD of Health Education, PT, Associate Professor of Iran University of Medical Sciences, Rehabilitation Research Centre, Faculty of Rehabilitation, Tehran, Iran; 3- Faculty Member of Islamic Azad University, Abhar, Iran; 4- PhD of Nursing, Associate Professor of University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran; 5- MPH in Management, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran; 6- PhD of Biostatistics, Associate Professor of University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran. *Corresponding Author's Address: Social Welfare Department, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences, Koodakyar Alley, Daneshjoo Blv., Evin, Tehran, Iran; *Tel: +98 (21) 2218 0083

مقدمه

شاید بتوان قدمت عملکردی سازمان‌های غیردولتی را از آن زمان دانست که انسان‌ها به اثرگذاری بیشتر کار جمعی نسبت به عملکرد انفرادی پی‌بردند و دریافتند که در قالب کار گروهی و مشارکت جمعی قادر خواهند بود به بسیاری از خواسته‌های خویش تحقق بخشند (۱) به باور صاحب‌نظران، برنامه‌های توسعه ملی و محلی (توسعه از بالا) بدون مشارکت مردمی (توسعه از پایین) موفقیت‌آمیز نخواهند شد. تجارب جهانی نشان می‌دهند سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند نقش مهمی در بسیج اقشار مختلف، به ویژه سطوح پایین و متوسط جامعه، ایفا کنند. از این‌رو در سال‌های اخیر، پدیده سازمان‌های غیردولتی و نقشی که در توسعه مشارکتی ایفا می‌کنند با آب و تاب بیشتری در محافل برنامه‌ریزی و دانشگاهی کشور ما مطرح شده است (۲). امروزه سازمان‌های غیردولتی با حاکمیت ارزش‌های مردمی، زمینه مشارکت بیشتر مردم را در اداره امور فراهم می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان عوامل اثرگذار بر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و پیگیری حقوق مردم در اداره امور، صاحب نقش باشند. این سازمان‌ها با جلب اعتماد و کمک‌های مردمی، ملی و بین‌المللی به رفع مشکلات اجتماعی می‌پردازند. سازمان‌های غیردولتی معلولان علاوه بر آن که واجد گزاره‌های عمومی مرتبط با سازمان‌های غیردولتی نظیر مشارکت سازمان‌یافته مردم در تصمیم‌سازی‌ها، نظارت همگانی، تنظیم رابطه حاکمیت با مردم، پاسخگو ساختن قدرت، توزیع قدرت، افزایش مشارکت اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی هستند؛ از ویژگی‌ها و کارکردهای اختصاصی نیز برخوردارند (۳).

در ایران سازمان‌های غیردولتی برای معلولین، ابتدا از سوی میسیونرهای مسیحی و از نوع سازمان‌های غیردولتی خارج از اداره معلولین، تشکیل شدند؛ از جمله: برخی انجمن‌های خیریه‌ای در تهران و تبریز، و آموزشگاه کریستوفر در اصفهان که توسط یک کشیش مسیحی ایجاد گردید. به‌مرور، این نهادها به‌سوی سازمان‌هایی که اداره آنها توسط معلولین انجام می‌شد، گرایش یافتند و پس از سال ۱۳۷۸ که در سازمان‌های

مردم‌نهاد، در نظام حقوقی کشور تعریف شدند، شتاب و گستردگی بیشتری یافتند (۱). اما با وجود گذشت سال‌ها از آغاز فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولین و گسترش بیش‌ازپیش آن‌ها در کشور ما، انجام فعالیت‌ها و تحقق اهداف این سازمان‌ها با مشکلاتی مواجه است. نکته قابل توجه درخصوص سازمان‌های غیردولتی به‌طور عام و سازمان‌های غیردولتی معلولین به‌طور خاص این است که؛ با توجه به نبودن این پدیده در ایران و اساساً نبودن مفاهیم و ارکان جامعه مدنی در ایران، این ارکان هنوز در کشور ما به‌خوبی قوام نیافته و تمامی ویژگی‌ها و عناصری که یک سازمان غیردولتی می‌باید دربرگیرد در آن‌ها وجود ندارد. بنابراین آنچه در ایران به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی وجود دارد معمولاً یا سازمان‌های غیردولتی سازمان‌یافته از سوی دولت (Governmental Organized, Go) است و یا نظامی است که تحت نظارت و یا هدایت و مدیریت بخش‌های از دولت عمل می‌کند (۴). آنچه در سایت‌های سازمان‌های غیردولتی معلولان در این زمینه برداشت می‌شود حاکی از عدم دسترسی مناسب به منابع مالی کافی، کمبود نیروی انسانی مناسب و عدم وجود قوانین شفاف است که از جمله موانع پیش‌روی فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولان می‌باشد و رفع آن برای بهبود فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولین در ایران، ضروری دانسته می‌شود. این مطالب که هیچ‌یک مبتنی بر مستندات پژوهشی نبوده و براساس تجارب شخصی این افراد اظهار شده بود، نشان از مشکلاتی بر سرراه فعالیت این سازمان‌ها داشت. با این وجود هنوز پژوهشی در راستای کشف و شناخت این چالش‌ها در جامعه ایرانی، صورت نگرفته بود. به درستی قابلیت مناسب این سازمان‌ها در تحقق اهداف خویش، منوط به شناخت کامل موانع پیش‌روی فعالیت آنان، از سوی پژوهشگران برای دولت، خود این سازمان‌ها و حامیان آن‌هاست. چرا که اگر این موانع به خوبی شناخته نشوند و در عمل به‌طور تأثیرگذار رفع نگردند، منجر به اتلاف منابع مالی و اجتماعی، افزایش تصدی سازمان‌های دولتی و در نهایت عدم موفقیت مکفی در توانمندسازی افراد دارای معلولیت خواهند شد. سازمان‌های غیردولتی سازمان‌هایی مستقل از

دولتند و وظیفه دولت در قبال این سازمان‌ها زمینه‌سازی و تسهیل حضور و فعالیت آن‌هاست. از این رو شناخت این موانع، دولت و حامیان این سازمان‌ها را در این خصوص یاری خواهد نمود.

این‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران، ارکان سازمان‌های غیردولتی را، مجمع عمومی، هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرس معرفی می‌نماید، که تمامی افراد با رأی آزاد اعضاء انتخاب می‌گردند و تصدی امور را متقبل می‌شوند. هیأت مدیره که اصلی‌ترین رکن اجرایی سازمان را تشکیل می‌دهد با رأی خود، مدیرعامل را به‌عنوان بلندپایه‌ترین مقام اجرایی سازمان تعیین می‌کند (۵). هیأت مدیره و به‌ویژه مدیرعامل، به‌عنوان راهبران اجرایی سازمان، بیشترین مداخله را در امور اجرایی و پیشبرد اهداف سازمان و پیرو آن بیشترین آگاهی را نسبت به فرایندهای اجرایی، فعالیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی سازمان دارند و صاحبان اصلی فرایندهای سازمان هستند. حال، با توجه به این‌که این پژوهش با هدف کشف مشکلات و موانع فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولین صورت پذیرفت، بررسی دیدگاه این افراد در این رابطه از اهمیت و اولویت ویژه‌ای نسبت به سایر اعضاء این سازمان‌ها و افراد مرتبط با آن‌ها برخوردار است.

تمامی مطالب فوق مبنی بر اهمیت فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولین، ضرورت شناخت موانع فعالیت آنان، اولویت شناخت این موانع از دیدگاه مدیران این سازمان‌ها، و عدم انجام پژوهشی تحت این عنوان تاکنون در ایران، مبین اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش در راستای تحقق منافع عالیه معلولین و سازمان‌های آنان بود.

روش بررسی

این پژوهش به شکل مطالعه کیفی پدیدارشناسی، صورت پذیرفت. در این پژوهش مطابق با روش‌های نمونه‌گیری کیفی (روش مورس، ۱۹۹۱) سعی شده است که حجم نمونه، مناسب (با هدف مطالعه) و کافی (داشتن کمیت و ارتباط مناسب داده‌ها) باشد (۶).

گرچه محقق، انتخاب شرکت‌کنندگان را در مرحله اجرای پژوهش انجام داده، اما انتخاب، در طول مطالعه در صورت لزوم ادامه یافته و این مسأله بدین علت است که ظهور ایده‌ها مهم‌تر از افراد است (۶).

از آن‌جا که در نمونه‌گیری تحقیق کیفی، هیچ لزومی درباره مشخص نمودن کل نمونه‌ها و تعداد دقیق شرکت‌کنندگان از آغاز وجود ندارد، تکرار و تأیید داده‌های جمع‌آوری شده قبلی، مشخص کننده تعداد نمونه بود؛ که این روش، اشباع داده‌ها نام دارد. بنا بر این روش، فرآیند نمونه‌گیری تحقیق تا جایی ادامه یافت که دیگر به جز مضامین تکراری، موردی به داده‌ها اضافه نگردید.

در این پژوهش با توجه به حضور تعداد و انواع مختلف سازمان‌های غیردولتی معلولین و کلیه مدیران این سازمان‌ها که جامعه ما را تشکیل می‌دادند، و با توجه به در دسترس نبودن یا غیرفعال بودن تعدادی از این سازمان‌ها، پس از مراجعه به سازمان بهزیستی و وزارت کشور و با در نظر گرفتن روش پژوهش کیفی فوق‌الذکر، از میان این جامعه با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند، پس از مصاحبه با ۱۰ نفر از مدیران این سازمان‌ها کار نمونه‌گیری به اشباع رسید. این حجم نمونه با تنوعی از سازمان‌های غیردولتی ناشنویان، نابینایان و معلولین جسمی-حرکتی، تشکیل شد.

در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها با روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق انجام شد. مصاحبه‌کننده پس از تهیه راهنمای مصاحبه و نگارش سؤالات اصلی آن، از مدیران سازمان‌های غیردولتی موردنظر به‌صورت انفرادی مصاحبه کرد. در این روش، مصاحبه با یک سؤال اصلی آغاز شد و مصاحبه‌کننده به افراد اجازه می‌داد که نظرات خود را با عبارات خود بیان کرده، و با همراهی نمودن آن‌ها و طرح سؤالاتی به‌منظور عمق بخشیدن به مطالب اظهارشده از سوی افراد، سعی در دستیابی به عمق نظر مصاحبه‌شوندگان می‌نمود. باید توجه کرد که در ابتدای کار، بسیاری از این سؤالات قابل پیش‌بینی نبودند، ولی پس از انجام هر مصاحبه، جزئیات بیشتری برای طرح سؤال از افراد دیگر حاصل می‌شد. سخنان مصاحبه‌شوندگان در حین مصاحبه با ضبط صوت، ضبط می‌گردید.

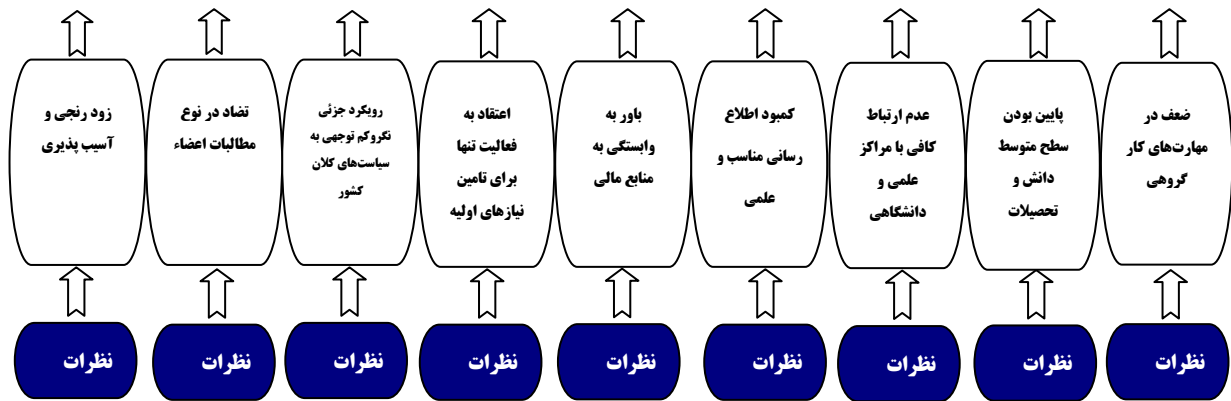
روند اجرای پژوهش به گونه‌ای بود که پس از تهیه راهنمای مصاحبه به‌عنوان محور کار و تعیین کننده سؤالات پژوهشی، با مراجعه به سازمان بهزیستی و وزارت کشور و ارائه مجوز پژوهشی دانشگاه به این دستگاه‌ها که مسئولیت صدور پروانه تأسیس مراکز غیردولتی را برعهده دارند، پرونده سازمان‌های غیردولتی معلولان استخراج گردید. سپس با تماس تلفنی با این سازمان‌ها در صورت فعال بودن آن‌ها، زمان مصاحبه و فردی به نمایندگی از هیأت مدیره، مطابق خواست هیأت مدیره جهت مصاحبه تعیین می‌شد. با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته، از افراد به‌صورت انفرادی داده‌ها جمع‌آوری شد. باید توجه نمود که در این نوع از مصاحبه، سؤالات، متناسب با اظهارات مصاحبه‌شونده و به‌منظور عمق‌بخشیدن به بیانات او پرسیده می‌شود. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از روش کلایزی، داده‌های کیفی تحلیل شد؛ به‌این‌صورت که پس از مصاحبه با اولین نفر، بیانات او پیاده‌سازی شده و به‌عنوان داده اولیه در نظر گرفته‌شد، پس از مصاحبه با دومین نفر، در صورتی که موارد جدیدی مورد اشاره قرار گرفته‌بود، این موارد به داده اولیه افزوده می‌شد. جمع‌آوری داده‌ها تا آنجا ادامه یافت که مصاحبه جدید دیگر بر اطلاعات ما نیفزود. در طی انجام پژوهش، مصاحبه‌کننده موظف بود به‌منظور برگزاری مصاحبه در محل تعیین شده توسط مصاحبه‌شونده حضور یابد. پس از تحلیل داده‌ها، اطلاعات به‌صورت جداول به تفکیک محورهای ذکر شده در اهداف اختصاصی و به‌صورت کلی در قالب جداول، دیاگرام‌ها و موارد متنی ارائه گردید. به‌صورتی که این اطلاعات در قالب مضامین ظهور یافته از اظهارات مدیران شرکت کننده و زیرمضمون‌های این مضامین، طبقه‌بندی و ترسیم شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی (۶) استفاده شد؛ ابتدا جهت هم‌احساس شدن

با شرکت‌کنندگان، همه مطالب حاصل از پیاده‌کردن محتوای مصاحبه‌ها روی فرمت به‌دقت خوانده شده، و عبارات مهم و مرتبط با موضوع استخراج گردید. در مرحله بعد، معانی و نظرات به‌صورت کد یادداشت شد؛ در ادامه کدهای محتوایی در دسته‌هایی سازماندهی شد. این دسته‌ها جهت تأیید اعتبار به پروتکل‌های ابتدایی ارجاع گردید، در مرحله بعد نتایج به‌صورت توصیف کاملی از پدیده تحت مطالعه ترکیب شد و جهت دسترسی به مفاهیم واضح و بدون ابهام بازنگری و در پایان، یافته‌ها جهت تأیید اعتبار، حذف و یا اضافه نظرات، به شرکت‌کنندگان ارجاع گردید (۷) داده‌های تغییر یافته به اطلاعات، پس از تجزیه و تحلیل، به‌صورت جملات توصیفی و جداول و دیاگرام‌ها گزارش گردید. در آغاز این پژوهش توضیحات لازم در رابطه با پژوهش به افراد مورد مصاحبه داده شده و رضایت آنان جلب گردید؛ و به ایشان اطمینان داده شد که اطلاعات گردآوری شده از آن‌ها بدون ذکر نام بوده و اطلاعات به‌صورت محرمانه تا پایان مطالعه حفظ و پس از آن معدوم خواهد شد. افراد مورد مصاحبه مختار بودند در هر مرحله‌ای از مصاحبه امتناع ورزند. شرکت‌کنندگان در صورت عدم تمایل نسبت به ضبط صوتی نظراتشان، در انتخاب ابزار جمع‌آوری داده‌ها مختار بودند.

یافته‌ها

در رابطه با فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی معلولان در شهر تهران، نمودار ۱، اظهارات شرکت‌کنندگان در ذیل موانع پیش‌روی این سازمان‌ها تحت عنوان «نگرش، دانش و مهارت‌های درون سازمانی»، زیرمضمون‌های نه‌گانه تشکیل‌دهنده این مضمون و پاره‌ای از اظهارات شرکت‌کنندگان در پژوهش که ایجادکننده این زیرمضمون‌ها بودند را تشریح نموده است. تصویر زیر این مضمون و زیرمضمون‌های تشکیل‌دهنده آن را به تصویر می‌کشد.

نگرش، دانش و مهارت‌های درونی سازمان



نمودار ۱- مضمون نگرش، دانش و مهارت‌های درونی سازمان و زیرمضمون‌های تشکیل دهنده آن

توانمندسازی و استراتژیک در بعضی اعضا باعث می‌شود فاصله زیادی میان نیازهای اظهار شده این سازمان‌ها و نیازهای کارشناسی باشد و این مسئله پیگیری مطالبات و فعالیت این سازمان‌ها را با چالش مواجه کند.» (شرکت کننده A).

عدم ارتباط کافی با مراکز علمی و دانشگاهی: «ما از دانش دانشگاه‌هایمان در سازمان‌های غیردولتی برخوردار نیستیم، اگر یک تحقیق که در دانشگاه انجام می‌شود بیاید در دل سازمان غیردولتی ما، مطمئناً کمک بهتری می‌کند و اگر ما با دانشجویان مهندسی معماری در ارتباط بودیم آن‌ها با دانش مناسب‌سازی فارغ‌التحصیل می‌شدند و لازم نبود الان ما برویم و بگوییم چه نیازهایی داریم و...» (شرکت کننده F). شرکت کننده F، عدم ارتباط مناسب و کافی میان سازمان‌های غیردولتی معلولان و مراکز علمی و دانشگاهی مرتبط را چالشی در مسیر فعالیت این سازمان‌ها و تسهیل دسترسی به اهدافی همانند مناسب‌سازی می‌داند.

کمبود اطلاع‌رسانی مناسب و علمی: «یکی از مشکلات ما، عدم به‌کارگیری علم روابط عمومی در سازمان‌های غیردولتی ما و اطلاع‌رسانی است و...» (شرکت کننده F). «من فکر می‌کنم یکی از مشکلات ما عدم اطلاع‌رسانی کافی سازمان‌های غیردولتی در جامعه باشد و یک مقدار در رابطه با تبلیغات و اطلاع‌رسانی ضعیف عمل می‌کنیم و...»

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌نمایید، اظهارات شرکت‌کنندگان، زیرمضمون‌هایی را شکل داده که از برآیند این زیرمضمون‌ها، مضمونی واحد ظهور یافته است. در ادامه برخی از اظهارات شرکت‌کنندگان و زیرمضمون‌های مبتنی بر آن‌ها به تفکیک آورده شده است.

ضعف در مهارت‌های کار گروهی: «چون معلولین کمتر از افراد عادی در فعالیت‌ها و کارهای گروهی شرکت داشته‌اند، مهارت لازم را به‌میزان مطلوب کسب نکرده‌اند و از آنجا که فعالیت در سازمان‌های غیردولتی، نوعی کار گروهی است؛ در بعضی فعالیت‌ها دچار مشکل می‌شوند» (شرکت کننده A). «ما هنوز در شکل‌هایمان یاد نگرفته‌ایم با هم کار کنیم، هماهنگ باشیم، با هم تعامل و همفکری کنیم و این یکی از مسائل ماست» (شرکت کننده E). این جملات برگرفته از بیانات دو نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر است که ضعف در مهارت‌های کار گروهی را از مشکلات پیش‌روی فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولین می‌دانند.

پایین بودن سطح متوسط دانش و تحصیلات: به‌گفته مدیران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، پایین بودن سطح دانش و تحصیلات اعضای سازمان‌های غیردولتی معلولان، بر فعالیت این سازمان‌ها تأثیرگذار بوده و انجام آن را با چالش مواجه می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که یکی از شرکت‌کنندگان چنین بیان نمود که «پایین بودن سطح متوسط سطح دانش و تحصیلات، عدم بینش

(شرکت کننده G). دو گفته فوق از بیانات دو نفر از شرکت کنندگان در این پژوهش استخراج شده‌اند و نشان می‌دهند که عدم توجه کافی به اطلاع‌رسانی و به‌کارگیری مناسب علوم و فنون به‌روز آن توسط سازمان‌های غیردولتی معلولان، یکی از مشکلاتی است که فعالیت آن‌ها را با مشکل مواجه نموده است.

باور به وابستگی به منابع مالی:

به گفته شرکت کنندگان در این پژوهش باور به اینکه در صورت کاستی در منابع مالی، این سازمان‌ها قادر به فعالیت نیستند و نقش منابع مالی به موتور محرکه آن‌ها تشبیه شود، مشکلاتی را برای آن‌ها ایجاد نموده است. گفته‌ای که در ادامه آورده شده مبین این مطلب است: «فعالیت این سازمان‌ها به شدت تحت تأثیر منابع مالی و ثروت هستند، به طوری که پول به موتور حرکت بعضی از این سازمان‌ها تبدیل شده است. به طوری که این اعتقاد در اعضا دیده می‌شود که می‌گویند هر چه پول بیشتری داشته باشیم بیشتر می‌توانیم کار کنیم.» (شرکت کننده A).

اعتقاد به فعالیت تنها برای تأمین نیازهای اولیه:

«متأسفانه این اعتقاد که سازمان‌های غیردولتی معلولان برای دستیابی به نیازهای اولیه افراد معلول شکل گرفته و باید آن را دنبال کنند در بعضی موارد میان اعضا وجود دارد در حالی که این سازمان‌ها باید به نیازهای عالی چون ارتقاء سطح آگاهی از حقوق خود و... نیز بپردازند ولی این بینش مانعی بر سر راه این فعالیت‌هاست.» (شرکت کننده A). همان‌گونه که از گفته فوق و سایر اظهارات شرکت کنندگان برمی‌آید، توجه صرف به تأمین نیازهای اولیه اعضا، توسط سازمان‌های غیردولتی معلولان و عدم توجه کافی به نیازهای عالی آنان به چالشی در فعالیت این سازمان‌ها بدل شده است.

رویکرد جزئی‌نگر و کم‌توجهی به سیاست‌های کلان کشور:

«گروهی از اعضای این سازمان‌ها جزئی‌نگر و بخشی‌نگر هستند و اعتقاد به افزایش سیاست‌های حمایتی و توزیع منابع دارند، به‌جای اینکه اعتقاد به توانمندسازی و گسترش تولید داشته باشند؛ و هنگامی که سیاست‌های

توانمندسازی اعمال می‌گردد همکاری نمی‌کنند...» (شرکت کننده A). جزئی‌نگری و کم‌توجهی به سیاست‌های کلان در قبال معلولین، همانند توانمندسازی به‌جای توزیع منابع مالی، از دیگر مواردی است که شرکت کنندگان در این مطالعه از آن به‌عنوان مشکلی در مسیر فعالیت این سازمان‌ها یاد کردند.

تضاد در نوع مطالبات اعضا:

«ما در اعضايمان يك تضاد داریم، يك سری می‌گویند ما نیاز به کمک‌های مادی داریم و یک سری می‌گویند این کار در شأن سازمان‌های غیردولتی نیست و دولت باید این کار را کند...» (شرکت کننده A). همان‌گونه که از گفته فوق برمی‌آید، تضاد در نوع مطالبات اعضا، از دیگر مواردی است که مدیران سازمان‌های غیردولتی معلولین آن‌را به‌عنوان مانعی در مسیر فعالیت این سازمان‌ها معرفی نمودند.

زودرنجی و آسیب‌پذیری:

«معلولین به‌لحاظ روانی نسبت به افراد عادی زودرنج‌تر و آسیب‌پذیرتر هستند؛ از این روگاهی در معادلات و مراودات اجتماعی آسیب‌پذیرتر عمل می‌کنند. گاهی اوقات با کوچک‌ترین حرفی می‌رنجد و کنار می‌کشند... که این هم مانعی برای انجام فعالیت است» (شرکت کننده A). زودرنجی و آسیب‌پذیری بیشتر معلولان نسبت به سایر افراد در برابر رفتار دیگران، از دیگر مواردی است که در این پژوهش از آن به‌عنوان مانعی برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولان یاد شده است.

بحث

مطالعه حاضر با هدف بررسی دیدگاه مدیران سازمان‌های غیردولتی معلولان نسبت به فعالیت‌های آنان انجام پذیرفت. مضمون‌های متعددی در این مسیر ظهور یافتند که یکی از مهمترین آنان به ویژگی‌های مدیران سازمان‌ها مرتبط بود. در این میان موضوع دانش، نگرش و مهارت‌های آنان بسیار بااهمیت مطرح شد. مدیران معتقد بودند که هر چه این موارد در مدیران برجسته‌تر نمود پیدا کند تأثیر بیشتری در بهبود اداره سازمان غیردولتی خواهد داشت. به‌طور مشخص

موضوع دانش و نگرش مدیران و کمبودهایی که آنان در این زمینه و به خصوص در مورد نحوه اداره سازمان‌های غیردولتی داشته‌اند می‌تواند به‌طور مستقیم بر نحوه مدیریت سازمان توسط آنان موثر باشد. در مقاله‌ای که تحت عنوان خدمات خانگی و انسانی برای افراد دارای ناتوانی توسط انجمن ناتوانی والس نو جنوبی در استرالیا منتشر شد. کمبود دانش و تخصص میان اعضای سازمان‌های غیردولتی معلولین به‌عنوان یکی از عوامل محدودکننده فعالیت این سازمان‌ها معرفی گردید (۹).

پائین بودن سطح تحصیلات و دانش اعضا که در این مطالعه نمود پیدا کرد نیز در این رابطه قابل ذکر است. به‌نظر می‌رسد یکی از یافته‌های این مطالعه مبنی بر زودرنجی و آسیب‌پذیری افراد دارای ناتوانی در مواجهه با موضوعات مختلفی که برای ادامه فعالیت دارند، می‌تواند تأثیر مهمی بر روند اداره سازمان‌های معلولین داشته باشد. پروفیسور لوسیا لیوا در سال ۲۰۰۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش سازمان‌های غیردولتی در دفاع از حقوق انسانی افراد دارای ناتوانی در کشور بلغارستان»، وجود احساس ترس، نادیده گرفته شدن، تبعیض، مزوی و بی‌ارزش بودن در برخی از معلولان را به‌عنوان موانعی در برابر معلولان و سازمان‌های آن‌ها معرفی می‌نماید (۱۰).

لورنا جین ادموندز در سال ۲۰۰۵ در مقاله تحت عنوان «افراد دارای ناتوانی و توسعه» در مجموعه مقالات ناتوانی و فقر، کمبود دانش سازمان‌های غیردولتی معلولین و توانمندسازی آنان برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای نظیر توانبخشی مبتنی بر جامعه را از جمله چالش‌های پیش‌روی این سازمان‌ها معرفی می‌کند (۱۱). در این مطالعه نیز عدم ارتباط کافی با مراکز علمی و دانشگاهی و کمبود اطلاع‌رسانی مناسب و علمی می‌تواند در این زمینه هم‌سو باشد.

به نظر می‌رسد کمبود نیروی انسانی مناسب و ماهر از جمله موانع پیش‌روی فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولان است؛ و رفع آن را برای بهبود فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولین در ایران، ضروری است. در مطالعه حاضر فقدان مهارت برای انجام کارگروهی می‌تواند در این راستا ارزیابی شود. در همین زمینه مسلم علی محمدلو (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت

عنوان «مدیریت دانش و استعدادها» بیان می‌کند که امروز دیگر همه گروه‌های کاری و علمی اذعان دارند برای اینکه سازمان‌ها بتوانند در دنیای رقابتی حضوری مستمر و پایدار داشته باشند، باید حول محور علم و دانش فعالیت کنند؛ علی‌رغم اینکه دانش به‌عنوان منبعی برای بقای سازمان‌ها ضروری و حیاتی است و شرط موفقیت سازمان‌ها دستیابی به یک دانش و فهم عمیق در تمامی سطوح است؛ اما باز هم بسیاری از سازمان‌ها هنوز به مقوله دانش به‌طور جدی توجه نکرده‌اند. باید توجه داشت که جهان کنونی محتاج پاسخگویی سریع است که نیازمند سازگاری بی‌درنگ، نتیجه‌گیری سریع و بالاتر از همه، رشد فردی متأثر از دگرگونی‌هایی است که نیازمند دانش و خلاقیت است (۸).

تضاد در نوع مطالبات اعضا مضمون مهمی بود که در این مطالعه ظهور یافت. گوناگونی در نوع مطالبات بیان شده دیده می‌شود که گاه رنگی از تضاد به خود می‌گیرد. قاسم زاده (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان داد انواعی از نیازهای مختلف به‌خصوص از نظر حقوق افراد دارای ناتوانی مطرح است (۱۲) همان‌گونه که اکبری (۲۰۱۱) در مطالعه تحت عنوان چالش‌های مدیران مراکز خصوصی توانبخشی تحت نظارت سازمان بهزیستی، به این گوناگونی در موضوعات و مسایل پیش‌روی آنان اشاره می‌کند (۱۳).

پیشنهادات

یافته‌های این مطالعه می‌تواند توسط سازمان‌های غیردولتی معلولین، حامیان آن‌ها و سازمان‌های دولتی متولی آنان مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج این مقاله بر لزوم آموزش، اطلاع‌رسانی و فرهنگ سازی، به منظور ارتقاء دانش، مهارت‌ها و اصلاح نگرش معلولان به‌ویژه اعضای سازمان‌های غیردولتی آنان تأکید می‌نماید.

این مقاله مضمون «نگرش، دانش و مهارت‌های درونی سازمان» و زیرمضمون‌های نه‌گانه آن را به تصویر می‌کشد اما اهمیت، اولویت و میزان شدت این مضمون نسبت به سایر موانع پیش‌روی سازمان‌های غیردولتی معلولین در شهر تهران و هر یک از این زیرمضمون‌ها نسبت به سایر آن‌ها را تعیین نمی‌کند که

پیشنهاد می‌شود از طریق پژوهشی کمی به آن پرداخته شود.

آموزشی و آگاه‌سازی برای معلولان به‌ویژه اعضای سازمان‌های غیردولتی آنان می‌تواند به بهبود و تسهیل فعالیت آنان منجر شود.

نتیجه‌گیری

شرکت‌کنندگان بر نقش دانش، نگرش و مهارت‌های اعضاء در پیشبرد فعالیت سازمان‌های غیردولتی معلولین تأکید کردند و عدم کفایت و تناسب در آن‌ها را به‌عنوان مانعی جدی در برابر فعالیت این سازمان‌ها معرفی نمودند. از این‌رو افزایش فعالیت‌های فرهنگی،

قدردانی

در پایان مراتب سپاس و قدردانی از مدیران محترم سازمان‌های غیردولتی معلولان که با صمیمیت و صبر در انجام این پژوهش مشارکت نمودند را اعلام می‌داریم.

References

1. Alavi SH. NGOs for handicapped, make empowered or dependent [Internet] [cited 2013 Feb 16]. Available from: <http://iransdp.com/?part=menu&inc=menu&id=1586>
2. Mohammadi M. NGOs, Definitions and classifications, Journal of Management Studies, improvement and progress. 2004;6(41-42):247-63. [Persian]
3. Rights Based Perspective: Civil and Political Rights [Internet]. 2003 [cited 2013 July]; Available from: <http://www.un.org/esa/socdev/enable/discom401.htm>
4. Namazi, B. Study of Community Volunteer Organizations in the Islamic Republic of Iran. Tehran: Municipalities of the Country Publication; 2002,pp:11-3. [Persian]
5. Draft implementing regulations for the establishment and activities of NGOs [Internet]. 2012 [cited 2013 July]; Available from: <http://iransdp.com/?part=menu&inc=menu&id=1584>
6. Gilgun JF. The analysis of qualitative data [Internet] 2007[cited 16 July 2013]. Available from: http://www.cehd.umn.edu/ssw/Documents/GilgunPDFs/Notes_Analysis_Qualitative_Data_Rev0307.pdf
7. Daymon C, Holloway I. Qualitative Research Methods in Public Relations and Marketing Communications. Routledge; 2002.
8. Mohammadlu MA. [Management of knowledge and talents (Persian)]. Tadbir Monthly Magazine on Management. 2001;15(5):20-32.
9. NSW Housing and Human Services Accord NGO Consultation [Internet]. 2006 Jan 8 [cited 2013 July]; Available from: <http://www.disabilitycouncil.nsw.gov.au/archive/06/housing.html>
10. The NGO Role in Advocacy for the Human Rights of People with Disabilities in Bulgaria [Internet]. [cited 2011 Jul 31]. Available from: <http://www.opensocietyfoundations.org/reports/ngo-role-advocacy-human-rights-people-disabilities-bulgaria>
11. Edmonds LJ. Disabled people and development No 12. Philippines: Asian Development Bank, Regional and Sustainable Development Dept., Poverty Reduction and Social Development Division; 2005.
12. Ghasemzadeh R, Kamali M, Chabok A, Fallahi Khoshknab M, Shirani M. Accessibility to the public facilities: a mean to achieve civil rights of the people with disabilities in Iran. Iranian Rehabilitation Journal. 2008;6(7):73-82.
13. Akbari R, Kamali M, Ashayeri H, Shafaroodi N. Challenge of private rehabilitation centers and welfare organization. Iranian Rehabilitation Journal. 2011;9(14):37-44.